

Freedom of expression in the procedure of the UN Human Rights Committee and the procedure law of the European Court of Human Rights

Taha Mousavi Mirkalaei¹, Savalan Mohammadzadeh^{1*}

Abstract

Freedom of expression means that human beings, due to their inherent dignity, have the right to present rational findings arising from this dignity in the form of speech, writing, artwork, commercial propaganda, and so on. The neglect of freedom of expression by many states has led individuals to turn to international institutions to enforce their rights after being disappointed with domestic judicial institutions. Among the international tribunals, the European Court of Human Rights and the United Nations Human Rights Committee, which have jurisdiction over individual complaints, place the individuals under the protection of states. The main question of the present article is that what is the reflection of freedom of expression in international jurisprudence of U.N. Human Rights Committee and European Court of Human Rights? This article using a descriptive-analytical method and library tools including a review of existing instruments concludes that in the jurisprudence of the European Court of Human Rights, there has been sometimes very limited and sometimes very absolute (unlimited) protection of freedom of expression. Also in the procedure of the Human Rights Committee, sometimes under the pretext of insufficient evidence, unfair decisions have been made which do not guarantee freedom of expression in a desirable way.

Keywords

Freedom of expression, international jurisprudence, European Court of Human Rights, UN Human Rights Committee, International Human Rights law.

1. Former Assistant Prof., Department of Public Law and International Law, Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.
Email: Taha_mo61@yahoo.com

2. Researcher of The Human Rights and International Law Department of The Judiciary Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

Received: October 8, 2020- Accepted: June 26, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

آزادی بیان در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد و رویه

قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

طه موسوی میرکلایی^۱، ساوالان محمدزاده^{۲*}

چکیده

آزادی بیان عبارت از آن است که انسان به سبب برخورداری از کرامت ذاتی، حق ارائه یافته‌های خردورزانه و برخاسته از این کرامت را در قالب گفتار، نوشتار، اثر هنری، تبلیغات تجاری و... دارد. بی توجهی بسیاری از دولت‌ها به آزادی بیان، موجب شده است که افراد بعد از ناامید شدن از نهادهای قضایی داخلی به منظور تضمین این حق، به نهادهای بین‌المللی جهت احقاق حق خود روی آورند. در میان دادگاه‌های بین‌المللی، دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد با برخورداری از صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد، آنها را در برابر دولت‌ها زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دهند. پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که آزادی بیان در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر چه بازتابی داشته است؟ مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد موجود، به این نتیجه نائل می‌آید که در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، گاه از آزادی بیان بسیار محدود و گاه بسیار مطلق (بی‌حد و حصر) حمایت به عمل آمده و در کمیته حقوق بشر نیز بعضاً به بهانه کافی نبودن شواهد و مدارک، تصمیماتی ناعادلانه اتخاذ شده است که تضمین‌کننده آزادی بیان به نحو مطلوب نیست.

کلیدواژگان

آزادی بیان، دادگاه اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی بین‌المللی، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظام بین‌المللی حقوق بشر.

۱. استادیار سابق گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
Email: Taha_mo61@yahoo.com

۲. پژوهشگر گروه حقوق بشر و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

مقدمه

آزادی بیان عبارت است از آن که انسان به سبب برخورداری از کرامت ذاتی، حق ارائه یافته‌های خردورزانه و برخاسته از این کرامت را در قالب گفتار، نوشتار، اثر هنری، چاپ و نشر، مطبوعات، تبلیغات تجاری و... داشته باشد. به این ترتیب آزادی بیان حداقل مسبوق به دو حق است: کرامت انسانی و آزادی تفکر (اندیشیدن). در مفهوم موسع، آزادی بیان تنها به معنای آزادی گفتار و نوشتار و ارائه نیست؛ بلکه ابعاد دیگری همچون حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فناوری‌های جدید اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت و حق دسترسی به ماهواره را نیز شامل می‌شود.

آزادی بیان نیز مانند سایر مصادیق حقوق بشر برای دولت‌ها تعهدآور است. وظیفه دولت‌ها در این خصوص شناسایی این حق و ایجاد بسترهایی برای تضمین آن است. تعهد دولت‌ها در این زمینه، تنها جنبه سلبی ندارد، بلکه ایجابی نیز است. برخی علت دویعدی بودن این تعهد را در آن دانسته‌اند که فراهم کردن فرصت‌ها و شرایط لازم برای زندگی هر فرد جهت زندگی محترمانه به‌عنوان یک انسان ضروری است. آزادی بیان نیز برای انسان‌ها از جمله حقوقی است که دولت باید به‌منظور تضمین زندگی محترمانه از آن محافظت کند. درست به همین دلیل آزادی بیان در مطالبات سیاسی سنگ بنای دموکراسی‌های مشروطه است و در فلسفه حقوق بشر جایگاه مهمی دارد (Kamber, 2012: 3-4).

حق افراد مبنی بر آزادی بیان و تعهد دولت‌ها مبنی بر تضمین این حق از حیث سلبی و ایجابی، در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، انعکاس یافته است. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سطح جهانی و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سطح منطقه‌ای، از مهم‌ترین این اسناد به‌شمار می‌روند. مراد از رویه قضایی در مقاله حاضر، رویه دو نهاد معاهده‌ای حقوق بشری ناظر بر این دو معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای است. بر این اساس پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که آزادی بیان در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر چه بازتابی داشته است؟ در این زمینه پرسش‌های فرعی دیگری نیز قابل طرح است: نخست آنکه آزادی بیان در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر (در مقام تضمین اجرای ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) چگونه منعکس شده است؟ دوم آنکه در رویه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (در مقام تضمین اجرای ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، آزادی بیان تا چه حد متجلی شده است؟ سوم آنکه آیا آزادی بیان در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر بیشتر مورد توجه بوده است یا در رویه کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد؟

مقاله پیش‌رو بر آن است تا ضمن بررسی رویه قضایی این دو مرجع و با روشی توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به پرسش‌های پیش‌گفته پاسخ گوید. در مقام بیان فرضیه پژوهش،

به نظر می‌رسد هر یک از دو مرجع مورد نظر، گستره آزادی بیان را از زاویه معینی توسعه داده و از حیث گستره مفهومی آزادی بیان بعضاً مشابهت‌هایی در رویه آنها مشهود است. با وجود این توسعه گستره آزادی بیان در هر دو مرجع مانع از آن نشده است که محدودیت‌هایی را برای این حق بشری در نظر گیرند.

مروری بر ادبیات حقوقی به زبان فارسی مبین آن است که به‌اجمال بررسی‌هایی در مورد رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر صورت گرفته است؛ اما آثار مزبور آزادی بیان را به‌طور خاص در رویه قضایی دادگاه اروپایی در مقایسه با کمیته حقوق بشر مورد مذاقه قرار نداده‌اند. برای نمونه مهرداد مولایی در مقاله «آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر» (۱۳۷۸) صرفاً به بررسی رویه قضایی این دادگاه و آرای ناظر به محدودیت این آزادی پرداخته است. همچنین ملیحه استواری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مفهوم و جایگاه حق آزادی بیان از منظر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر» (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی با رویه کمیته را لحاظ نکرده است. در مورد کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد پژوهش‌چندانی از جانب حقوقدانان ایرانی صورت نگرفته و معدود پژوهش‌های در دسترس نیز اساساً ورودی به مسئله آزادی بیان نداشته و حقوق متفاوتی را واکاوی کرده‌اند. برای نمونه سید مصطفی موسوی میرکلایی و دیگران در مقاله «حق برخورداری متهم از وکیل در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد» (۱۳۹۹) به تحلیل حق مستقلی غیر از آزادی بیان در رویه کمیته پرداخته‌اند. از این‌رو موضوع مقاله پیش‌رو، واجد نوآوری در ادبیات فارسی در خصوص مسئله مورد بحث است.

مقاله حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست به ارزیابی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد آزادی بیان، اعم از تضمینات و محدودیت‌ها می‌پردازد و در بخش دوم رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد در خصوص این حق بررسی خواهد شد.

آزادی بیان در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۹) به عنوان سند تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر، نخستین سند حقوق بشری است که نهادی قضایی را به منظور نظارت قضایی بر حسن اجرای معاهده‌ای بین‌المللی پیش‌بینی کرده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸، وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. با این تغییر، نظام دومرحله‌ای نظارت بر حسن اجرای این کنوانسیون به وجود آمد. این نظام عبارت بود از رسیدگی به شکایات توسط یک کمیسیون (پیش از رسیدگی دادگاه)، که به رسیدگی یک‌مرحله‌ای توسط دادگاه تبدیل شد. براساس ماده ۲۰ پروتکل جدید، تعداد قضات برابر با تعداد دولت‌های عضو کنوانسیون شد. قضات از میان چهره‌های موجه اخلاقی و علمی به مدت شش سال انتخاب می‌شوند و مستقل از دولت متبوع خود به قضاوت می‌پردازند. از حیث تعدد پرونده‌ها و تسریع در فرایند رسیدگی، این دادگاه و قضات آن در شعب کوچک‌تری به فعالیت می‌پردازند. البته این امر مانع از آن نبود که حسب ماده ۲۶ کنوانسیون، مواردی در صلاحیت کل قضات دادگاه قرار گیرد. دادگاه اروپایی هم صلاحیت رسیدگی به دعاوی دولت‌ها علیه یکدیگر و هم دعاوی اشخاص خصوصی علیه دولت‌های عضو کنوانسیون - نه فقط دولت متبوع خود - را دارد. صلاحیت موضوعی دادگاه نیز نقض حقوق بشر پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۳۵).

آزادی بیان در دادگاه اروپایی حقوق بشر شامل هر نوع اظهارات مرتبط با سیاست، هنر، تجارت و... است. در رویه قضایی این دادگاه (در اغلب موارد) نمی‌توان عباراتی همچون «ارزشمند یا بی‌ارزش در جامعه»، «به ضرر یا به مصلحت جامعه» یا «مغایر یا موافق با منافع تجاری (اقتصادی) جامعه» و غیره را مشاهده کرد (Özipek, 2013: 379). به بیان دیگر در نگاه نخست، در رویه این مرجع قضایی، آزادی بیان به بهانه مصالح و منافع عمومی همچون سایر موضوعات حقوق بشری، استثنابردار نیست و حتی در مواردی پذیرفته می‌شود که نباید اظهارنظری مغایر با نظریات و عقاید مردم و جامعه باشد (ECHR, 1976, Para. 6). با وجود این اقتضانات نظم و امنیت عمومی، این وضعیت آرمانی در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر با استناد به حفظ نظم عمومی، امنیت ملی دولت‌ها و رعایت حقوق دیگران، محدودیت‌هایی را برای حق آزادی بیان قائل شده است. البته در استناد به این محدودیت‌ها باید به قدر متیقن اکتفا شود و این دادگاه دولت‌های اروپایی را ملزم کرده است تا با این محدودیت‌ها رفتار موسعی نداشته باشند. چنانچه دولتی از قدر متیقن ترسیم‌شده فراتر رود و از این رهگذر و در نتیجه اعمال حق آزادی بیان خساراتی به افراد آنها وارد شود،

دولت‌های مربوط ملزم به جبران خسارت هستند (استواری، ۱۳۹۴: ۱). تحلیل رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی بیان و سنجش آن با وضعیت آرمانی و محدودیت‌های استثنایی، نیازمند بررسی مجزای مظاهر آزادی بیان است.

۱. آزادی بیان در انتقادهای سیاسی و مطبوعات

آزادی بیان دربرگیرنده تضمین حق آزادی انتقاد است. به عبارت دیگر، بیشترین نقض دولت‌های اروپایی مربوط به آزادی بیان، همواره در حوزه سیاست و انتقاد از مقامات سیاسی بوده است (ECHR, 2015, para. 12). براساس تصمیمات این دادگاه، دولت‌ها نه تنها باید توسط قوای مقننه و قضاییه، بلکه از طرف مردم و رسانه‌های جمعی نیز تحت نظارت باشند (ECHR, 2015, para. 27). دولت‌ها باید سخت‌ترین انتقادهای را تحمل کنند و محدودیت‌های آنها در مورد آزادی بیان، نباید تأثیر بازدارنده و منفی بر آزادی بیان داشته باشد. بر این اساس نظارت بر نهادهای عمومی وظیفه شهروندی است و این واقعیت که شهروندان هنگام انجام این وظیفه از روش‌های انتقادی شدید از جمله خشونت استفاده می‌کنند، در محدوده آزادی بیان قابل ارزیابی است (Ulaş, 2013: 359).

از جمله آرای صادره توسط دادگاه اروپایی در خصوص آزادی بیان در حوزه سیاست، رأی مورخ ۴ دسامبر ۲۰۱۸ در پرونده ماگیار یتی زی.آر.تی علیه مجارستان^۱ شایان ذکر است. در این رأی، دادگاه تأیید کرد که دولت مجارستان با اعمال محدودیت بر شرکت‌های رسانه‌ای مسئول، حق آزادی بیان را طبق ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض کرده است (ECHR, 2018, para. 19). از دیدگاه دادگاه تحمیل مسئولیت جدی بر رسانه‌ها به دلیل محتوای غیرقانونی، تأثیر ناخوشایندی بر جریان آزاد اطلاعات و آزادی رسانه‌ها ایجاد می‌کند. این دعوا از جانب یابیک علیه ماگیار (از جمله اپراتورهای پرتال‌های خبری مجارستان) و دیگران طرح شد. دادگاه بدوی اول اظهار کرد که برای تهیه فیلم یوتیوب، اپراتور مزبور اظهارات توهین‌آمیز را منتشر کرده است. این تصمیم در دادگاه عالی مجارستان نیز تأیید شد. پس از شکایت اپراتور ماگیار علیه دولت مجارستان در دادگاه اروپایی حقوق بشر، این دادگاه احراز کرد که مجارستان با اعمال محدودیت‌های سختگیرانه برای اپراتورهایی که محتوایی توهین‌آمیز در مورد سیاستمداران منتشر می‌کنند، نتوانسته به اندازه کافی حق آزادی بیان را تضمین کند و محدودیتی ناعادلانه بر این حق اعمال کرده است.

مطبوعات نیز از رایج‌ترین وسایل استفاده از آزادی بیان است. در رأی دیوان اروپایی در پرونده سان دیز علیه بریتانیا^۲ مورخ ۱۹۷۹، مادرانی که با استفاده از داروهای شرکت دارویی خاصی، فرزندان خود را معلول به دنیا آورده بودند، در محاکم ملی بریتانیا علیه آن شرکت

1. Case of Magyar Jeti Zrt v. Hungary

2. Case of Sunday Times v. UK

شکایت کردند. پیش از پایان رسیدگی به این پرونده، روزنامه سان دیز تایم، قضیه را از طریق گزارشی علنی کرد. شرکت داروسازی به این دلیل که چنین خبری سبب نقض حقوق این شرکت می‌شود، علیه این روزنامه به دادگاه شکایت برد. پس از محکومیت روزنامه مزبور در محاکم ملی بریتانیا، دادگاه اروپایی حقوق بشر انتشار این خبر را پیش از پایان محاکمه، حمله به حیثیت این شرکت ندانست، زیرا این خبر حاکی از وضعیتی مربوط به بهداشت عمومی است و این موضوع در محدوده حق آزادی بیان می‌گنجد. در تجزیه و تحلیل دادگاه، روزنامه اصولاً هدف مشروعی را دنبال می‌کند و فاقد سوءنیت است. از این رو به این نتیجه می‌رسد که چنین دخالت‌ها و محدودیت‌هایی مطابق با استانداردهای عمومی در یک جامعه دموکراتیک نیست، زیرا فشار بیشتر به روزنامه به منظور حفظ منافع عمومی، با نیاز اجتماعی جامعه مطابقت ندارد. بنابراین دادگاه اظهار کرد که ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این قضیه نقض شده است (ECHR, 1979, para. 67).

نکته حائز اهمیت در انتقادهای سیاسی و مطبوعاتی، حدود و ثغور توهین و انتقاد است. در رأی دادگاه در دعوای توشالپ علیه ترکیه^۱ مورخ ۲۰۱۲، توشالپ در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۵، مقاله‌ای با عنوان «ثبات» را در روزنامه بیرگون^۲ منتشر کرد. در این مقاله تأکید شده بود که در پرتو سیاست‌های نخست‌وزیر و دولت، کلمه ثبات معنی خود را در فرهنگ لغت از دست داده و منزجرکننده شده است. همچنین تصریح شده بود که نخست‌وزیر و نزدیکان وی با سوءاستفاده از واژه ثبات، سیاست را به خدمت گرفته و رژیم مبتنی بر دین ساخته‌اند. در این قضیه، دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار کرد که محتوای سرمقاله، حاوی حمله شخصی و ناعادلانه به نخست‌وزیر نیست و نتیجه گرفت که مقاله در محدوده اصول انتقاد، قابل قبول بوده است، زیرا هیچ مدرکی مبنی بر اثرگذاری مقالات نوشته شده توسط خواننده در زندگی سیاسی یا زندگی حرفه‌ای یا خصوصی نخست‌وزیر وجود ندارد. همچنین در این رأی تأکید شد کسانی که شخصیت سیاسی دارند، بیش از افراد عادی مورد انتقاد واقع می‌شوند (ECHR, 2012, para. 42). البته دادگاه اروپایی به این نتیجه رسید که اگر نویسنده مقاله‌ای، آگاهانه اتهاماتی بی اساس به طرف مقابل وارد کرد (با سوءنیت)، محدودیت آزادی بیان براساس حفظ حقوق و حیثیت دیگران را تأیید و رعایت نکرده است. برای نمونه رأی دادگاه در پرونده تورگیرسن علیه ایسلند^۳ مورخ ۲۰۰۳ شایان ذکر است (مولایی، ۱۳۷۸: ۳۵). بنابراین عنصر سوءنیت در رویه قضایی دادگاه اروپایی، برای احراز انتقاد ناروا، اهمیت ویژه‌ای دارد.

1. Case of Tuşalp v. Turkey

2. Birgün Gazetesi

3. Case of Thorgeir thorgeirson v. Iceland

۲. آزادی بیان از طریق آثار ادبی و هنری و علمی (آکادمیک)

دادگاه اروپایی حقوق بشر برای محافظت از آزادی بیان در قالب آثار هنری، تصمیمات محافظه کارانه‌ای گرفته است، به‌ویژه زمانی که این آثار مروج خشونت باشند. برای نمونه در رأی دادگاه اروپایی در پرونده کاراتاش علیه ترکیه^۱ مورخ ۱۹۹۹، اگرچه یک کتاب شعر شامل عباراتی بود که می‌توانست خشونت‌طلبی با سبکی تهاجمی تلقی شود ولی تصمیم دادگاه حاکی از آن بود که ترکیه کتاب‌های شعر را نباید مصادره کند، زیرا تأثیر منفی بر احساسات مردم خواهد گذاشت (ECHR, 1999). مطابق رویه جاری دادگاه اروپایی حقوق بشر، از آنجا که داوری‌های ارزشی از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند، ارزش کارهای هنری و آزادی بیان هنری نیز از جامعه‌ای به جامعه دیگر متغیر است. تشخیص این مسئله دشوار، متأثر از تدابیری است که برای صیانت از نظم عمومی در هر جامعه اتخاذ می‌شود.

نمونه دیگر رأی دادگاه اروپایی در پرونده مؤسسه اتوپرمینگر علیه اتریش^۲ مورخ ۱۹۹۴ است. موضوع پرونده در مورد فیلمی است که در مورد عیسی (ع) به نظر برخی اندیشه منفی ایجاد می‌کرد. دولت اتریش با این استدلال که فیلم مزبور احساسات مذهبی بینندگان را خدشه‌دار کرده، اکران آن را متوقف کرد، زیرا بیشتر مردم اتریش کاتولیک هستند. پس از شکایت مؤسسه مزبور در دادگاه اروپایی حقوق بشر، این دادگاه اظهار کرد هدف مقامات اتریشی، حفظ نظم عمومی و آرامش است تا احساسات مذهبی کاتولیک‌های اتریش جریحه‌دار نشود. استدلال دادگاه آن بود که مذاهب از بیان آزادانه انتقاد نسبت به خود مبرا نیستند، اما روش‌های افراطی انتقاد به یک مذهب ممکن است آزادی بیان پیروان آن مذهب را محدود کند. حسب استدلال دادگاه در مواردی که منظومه اخلاقی مشخصی برای همه افراد جامعه قابل تعریف نباشد، اخلاق عمومی نیز محدودیت آزادی بیان را توجیه می‌کند. از این رو دادگاه در نهایت اظهار کرد که آزادی بیان در این قضیه محدود نشده است (ECHR, 1994, para. 47).

در نمونه دیگر دادگاه اروپایی حقوق بشر در رأی صادره خود در پرونده مولر و سایرین علیه سوئیس مورخ ۱۹۹۴، پس از آنکه دولت سوئیس در پی نمایش عمومی تصاویر مرتبط با جفت‌گیری حیوانات، حکم به مصادره تصاویر مربوط و محکومیت تصویرگر داده بود، ضمن ابرام این رأی اظهار کرد که حکم صادره در این پرونده، برای صیانت از اخلاق عمومی در جامعه سوئیس صادر شده است (ECHR, 1999, para. 56). به این ترتیب در مواردی که آزادی بیان و حق انتقاد در قالب آثار ادبی و هنری عرضه شده، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر به این سمت و سو سوق یافته است که حفظ نظم عمومی و اخلاق حسنه، موازین حاکمی‌اند که به محدود ساختن آزادی بیان از جانب دولت‌ها مشروعیت می‌دهند.

1. Case of Karataş v. Turkey

2. Case of Otto-Preminger-Institute v. Austria

حسب رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، دستاوردهای علمی نیز در نتیجه تلاش و دانش‌افزایی بشر شکل گرفته، از این رو توانایی دانشگاهیان در انتشار آزادانه نظریاتشان در حوزه دانش باید تقویت شود. برای نمونه در رأی دادگاه در قضیه سورگوچ علیه ترکیه^۱ مورخ ۲۰۱۸، یکی از استادان دانشکده فنی دانشگاه استانبول در کنگره‌ای، تحولات حوزه تخصصی خود را تحلیل کرد. وی در گزارش ابرازی، انتقادهایی در خصوص مسائل علمی و تأثیر آن در ارتقای مدارج دانشگاهی دانشگاه استانبول مطرح کرده بود. موضوع انتقاد مربوط به پذیرش شخصی به‌عنوان هیأت علمی در این دانشگاه بود که بدون طی مدارج علمی به مقام استادیاری نائل شده بود؛ البته در آن کنگره نامی از آن شخص برده نشد. در محاکم ملی ترکیه علیه استاد مربوط، طرح دعوا شد و در نهایت دادگاه عالی ترکیه در رأی خود استدلال کرد که چون در صورت وجود هیأت منصفه دانشگاه، دیگر نیازی به اخذ آزمون و طی مدارج دانشگاهی مطابق رویه دانشگاه استانبول نیست، بنابراین انتقادهای استاد مربوط، حمله به شخصیت علمی (توهین به مقام) تلقی می‌شود.

پس از طی مراحل داخلی، خواهان شکایت خود را در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرد. دادگاه مزبور دریافت که اظهارات موردنظر توسط شخص خواهان در یک کنفرانس علمی ابراز شده و با اقدام محاکم ترکیه، آزادی بیان وی نقض شده است، زیرا آزادی کارکنان دانشگاه برای ابراز عقاید خود در مورد دانشگاه و محیط کار باید آزادانه و بدون محدودیت در دسترس باشد. مطابق نظر دادگاه مزبور، در قالب آزادی بیان، بیان حقیقت و انفاقات صورت‌گرفته در مجموعه دانشگاهی مانعی ندارد (ECHR, 2009, para. 65). رویه اخیر دادگاه اروپایی نشان می‌دهد که از یک سو، نظر به ویژگی جهانی علم، حساسیت‌ها و موانعی مانند نظم عمومی و اخلاق حسنه در مورد آثار علمی کمتر مجال بروز می‌یابند و از سوی دیگر، ویژگی این پرونده نسبت به نمونه‌های قبلی، در حوزه آثار ادبی و هنری آن برجسته می‌شود که البته گستره این پرونده محدود به دانشگاه و دانشگاهیان است و همه جامعه را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؛ از این رو در چنین وضعیتی، توسل به موانعی همچون نظم عمومی و اخلاق حسنه به‌منظور محدود کردن آزادی بیان کمتر مجال بروز می‌یابد.

۳. آزادی بیان در حوزه دین و اخلاق

نوع دیگری از بیانات که در محدوده آزادی بیان قرار می‌گیرد، بیانات اخلاقی و مذهبی است. موضوعات مذهبی به‌طور مستقیم در دادگاه اروپایی حقوق بشر رسیدگی نمی‌شوند، اما به‌طور غیرمستقیم و مصداقی از «اخلاق عمومی» در این دادگاه مجال بررسی می‌یابند. از آنجا که اخلاق عمومی نیز از دیدگاه دادگاه اروپایی می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد، تصمیم یک قاضی ملی در مورد مسائل دینی و اخلاقی ممکن است مناسب‌تر از تصمیم قاضی

1. Case of Sorğuç v. Turkey

بین‌المللی در مورد آن مسائل تشخیص داده شود؛ از این‌رو ارزیابی‌های مراجع ملی در خصوص مفهوم اخلاق و دین معمولاً مورد تأیید دادگاه اروپایی قرار می‌گیرد (ECHR, 1976, para. 21). یکی از دعوی مشهور در این زمینه رأی دادگاه اروپایی در قضیه «هندی ساید»^۱ علیه بریتانیا مورخ ۱۹۷۶ است. هندی ساید شهروندی انگلیسی بود که ترجمه انگلیسی کتابی دانمارکی را منتشر کرد. کتاب مذکور در قالب آموزش، به گونه‌ای بی‌پرده به مسائل جنسی می‌پرداخت و به‌عنوان کتابی مرجع، گروه سنی دانش‌آموز را مخاطب قرار می‌داد. دادگاه بدوی بریتانیا به موجب قوانین داخلی، کتاب را توقیف و ناشر را به پرداخت جریمه و جمع‌آوری نسخه‌های منتشرشده محکوم کرد. این رأی به تأیید دادگاه تجدیدنظر نیز رسید. هندی ساید به کمیسیون اروپایی حقوق بشر شکایت کرد. این کمیسیون نیز ضمن تأیید رأی صادره، پرونده را به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع کرد. دادگاه مزبور پس از تأیید حکم صادره در خصوص پرونده هندی ساید و اذعان به اینکه مداخله دولت انگلیس برای جلوگیری از انتشار کتاب، در جهت حمایت از ارزش‌های اخلاقی و ضروری در یک جامعه دموکراتیک بوده، بر نقش دولت در تشخیص موضوع «اخلاقی» یا «غیراخلاقی» بودن تأکید کرد، چراکه به عقیده دادگاه، برداشتی همسان از اخلاقیات - حتی در اروپا - وجود ندارد و الزامات اخلاقی منوط به شرایط زمانی و مکانی است. همچنین دولت‌ها و قضات داخلی، علی‌الاصول در موقعیت بهتری برای اظهار عقیده در خصوص مفاد دقیق الزامات اخلاقی و مفاهیم ضرورت، محدودیت و مجازات قرار دارند تا یک قاضی بین‌المللی. این دیدگاه دادگاه اروپایی تا اندازه‌ای بر مبانی مورد توجه در دکترین نیز استوار شده است، زیرا ضرورت تحدید آزادی‌ها در صورت خدشه‌دار کردن اصول و هنجارهای اخلاقی قاعده‌ای پذیرفته شده است؛ اما همیشه تشخیص موضوع و حکم به‌سادگی میسر نیست؛ به‌ویژه در مواردی که منظومه اخلاقی مشخص و معینی برای همه افراد جامعه قابل تعریف نیست. در خصوص تضييع حقوق به بهانه حفظ و حراست از اصول و قواعد اخلاقی و همچنین نگرش‌های متفاوت و متنوع در عرصه جهانی در مورد اخلاقیات، دغدغه و نگرانی بیشتری را به‌وجود می‌آورد (مرکز مالمیری، ۱۳۸۳: ۷۵۹-۷۶۰). به بیان دیگر، یکی از خلأهای نظری موجود، نبود تعریف واحد از اخلاق است.

حسب تعریف سکولاریسم، اخلاق عمومی حاوی ارزش‌های پذیرفته‌شده در یک جامعه است، آن‌گونه که در رسوم و عادات و رفتار نمود می‌یابد. مبنای اخلاق عمومی چیزی است که جامعه احساس می‌کند و به لحاظ اخلاقی درست است (رهايي، ۱۳۸۹: ۴۴۳). در این خوانش از اخلاق عمومی، نوعی نسبیت نهفته است که از ویژگی‌های اخلاقی سکولار است. چنین اخلاقی به‌جای مبتنا بر فطرت انسان‌ها، بر عرف جوامع متکی است. نتیجه آنکه اصول اخلاقی ثابت و تغییرناپذیر در گذر تاریخ رنگ می‌بازد و به‌تبع تغییرات کلی در روح تاریخی مردم یک سرزمین، اخلاق آنان نیز دچار دگرگونی^۲ می‌شود (رنجی الماسی، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). در خوانش دیگر، اصول اخلاقی

1. Case of Handy Side v. United Kingdom

۲. نسبی‌گرایان را عقیده بر آن است که پایه و مبنای اخلاق، حسن و قبح یا زشتی و زیبایی است و از آنجا که حسن و

ثابت مطرح می‌شود که در اندیشه کانت نیز مورد تأکید است. از دیدگاه او، عقل مشترک بشری ضرورت وجود اخلاقی کلی و قابل فهم برای همه انسان‌ها را ایجاد می‌کند و ارزش اخلاقی عمل را نه در اثر آن، بلکه در تصور قاعده اخلاقی برای موجود صاحب عقل باید جست (کورنر، ۱۳۹۴: ۴۷). بحث از ثبات اخلاق در میان برخی اندیشمندان مسلمان نیز مطرح شده است. ایشان با تفکیک اخلاق از آداب، ملاحظات فطرت انسانی را از اقتضات عرف جوامع متمایز کرده‌اند. در این تفکیک، اخلاق مربوط به خود انسان و به معنای نظام دادن به غرایز و طبیعت انسان و سهمیه‌بندی غرایز تحت حکومت عقل است. در این سهمیه‌بندی هم باید حق روح ادا شود و هم حق جسم. این سهمیه‌بندی در تمام زمان‌ها ثابت است، چراکه فطرت انسان در همه زمان‌ها واحد است. اما آداب مربوط به امور اکتسابی یا فنون است که شامل هنر و صنعت می‌شود و در نتیجه در زمان‌های مختلف متفاوت است (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۶۸).

اگرچه در خوانش دوم، اخلاق وصف جهان‌شمول می‌یابد، نباید از نظر دور داشت که اخلاق عمومی موردنظر در آزادی بیان، تا آنجا که با نظم عمومی جامعه وحدت قلمرو دارد، متأثر از نسبت حاکم بر نظم عمومی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متغیر است. این حوزه از اخلاق، همان قلمرویی است که نظریه پردازان مسلمان از آن به‌عنوان آداب یاد کردند. حوزه مزبور بیش از بنیان‌های عقلانی جهان‌شمول، منبعث از ارزش‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی افراد است. از این‌رو اخلاق عمومی به‌عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی بیان، از مرزهای فلسفی فراتر می‌رود و درگیر مباحث جامعه‌شناسانه و عرف می‌شود.

۴. حق عصبانی شدن در محدوده آزادی بیان

یکی از مصادیق آزادی بیان در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، حق عصبانی شدن است. حق عصبانی شدن با حق انتقاد به‌عنوان مصداق دیگری از آزادی بیان وحدت قلمرو

قبح جزء مفاهیم نسبی است، اخلاق نیز نسبی است. اما هر دو مقدمه مذکور نادرست است. این ادعا که اخلاق مبتنی بر حسن و قبح است، یک اندیشه یونانی و متعلق به سقراط است که میان برخی علمای اسلامی نیز رسوخ کرده است. مکتب اخلاقی سقراط یک مکتب عقلی است؛ چرا که به عقیده او اخلاق خوب کارهایی است که عقل آنها را زیبا می‌داند و اخلاق بد افعالی است که عقل آنها را ناپسند و زشت می‌شمارد. لکن این اندیشه محل اشکال است؛ زیرا معنای اخلاق، نظام دادن به غرایز و قوای روحی است، همان‌گونه که پزشکی نظام دادن به قوای جسمی است. آن‌گونه که مبنای پزشکی نمی‌تواند حسن و قبح عقلی باشد، پایه اخلاق نیز نباید زشتی و زیبایی عقلی باشد. مقدمه دوم که زشتی و زیبایی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متغیر است، نیز به طور مطلق درست نیست. اصول زیبایی‌های عقلی و زشتی‌های عقلی ثابت بوده، ولی فروعشان متغیر است. وقتی معنای اخلاق این باشد که جنبه‌های انسانی وجود انسان، مخصوصاً عقل و اراده را باید تا جایی تربیت کرد که سایر قوا تحت سیطره‌اش باشند، دیگر نمی‌توان گفت که اخلاق در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۱۳).

دارد؛ به این صورت که عصبانی شدن روشی برای ابراز انتقاد است. رأی دادگاه اروپایی در پرونده یانووسکی علیه لهستان^۱ مورخ ۲۰۰۰ ناظر به حق عصبانیت است. در این قضیه یانووسکی با دو نگهبان شهرداری مواجه شد که به فروشندگان خیابانی دستور خروج از یک میدان در شهر ازدونسکا وولا^۲ را می‌دادند. مأموران شهرداری علاوه بر جریمه فروشندگان به ایشان اعلام کردند که باید غرفه‌های خود را به بازار مجاور منتقل کنند. ژوزف یانووسکی با نگهبانان جر و بحث کرد. در ۲۹ آوریل ۱۹۹۳، دادگاه منطقه‌ای ازدونسکا وولا، وی را به توهین به نگهبانان شهرداری محکوم کرد. یانووسکی به هشت ماه حبس تعلیقی (که به مدت دو سال به حالت تعلیق درآمده بود) و نیز پرداخت ۱۵۰۰۰۰ زلوت (واحد پول لهستان) وجه نقد محکوم شد. همچنین مقرر شد که ۴۰۰۰۰۰ زلوت به مؤسسات خیریه بپردازد. حتی پرداخت هزینه‌های دادگاه (۳۴۶۰۰۰ زلوت) بر عهده وی گذاشته شد. در پی درخواست تجدیدنظر او، در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۳ دادگاه منطقه‌ای سیرالز بخشی از این حکم از جمله مبلغ پرداختی به مؤسسات خیریه را لغو و تخفیفاتی نیز در نظر گرفت. یانووسکی شکایت خود را با استناد به مواد ۳، ۶، ۷ و ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرد. دادگاه در تصمیم نهایی خود اظهار کرد که محکومیت متقاضی در محاکم ملی لهستان، اعمال محدودیت در حق آزادی بیان او بوده است؛ زیرا وی به‌عنوان مظهري از انتقاد در پرتو آزادی بیان، حق عصبانی شدن نیز داشته است. با وجود این، دادگاه اروپایی سخنان خواهان را در جریان واقعه، موهن تلقی می‌کند و جرم توهین را محقق می‌داند. یکی از قضات دادگاه از رویکرد اخیر دادگاه انتقاد کرد؛ استدلال این قاضی آن بود که آزادی بیان حق عصبانیت و توهین ناشی از آن را نیز شامل می‌شود (ECHR, 2000: 134-135). در این پرونده، رویه قضایی دادگاه اروپایی در حوزه آزادی بیان توسعه می‌یابد و برای نخستین بار در رویه قضایی یک دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر سخن از حق عصبانی شدن به میان می‌آید؛ حقی که تا پیش از این در رویه قضایی بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای مسبوق به سابقه نبوده است. با وجود این در رویه دادگاه اروپایی، حق عصبانی شدن به‌عنوان مصداقی از آزادی بیان مطلق تلقی نشده و منوط به آستانه عدم توهین به دیگران است. به بیان دیگر در عرصه حقوق عمومی، حق انتقاد حسب رویه دادگاه اروپایی، نسبت به دولت و سیاستمداران به رسمیت شناخته شده است و در مورد سایر کارکنان حوزه عمومی که وصف سیاسی ندارند، با محدودیت‌هایی مورد پذیرش قرار گرفته است.

1. Case of Janowski v. Poland

2. Zduńska Wola

آزادی بیان در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد

کمیته حقوق بشر ملل متحد بر مبنای ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تشکیل شده است. میثاق در مواد ۲۸ تا ۴۵ علاوه بر قواعد حاکم بر تأسیس کمیته، به ضوابط ناظر بر فعالیت‌های اجرایی و وظایف و اختیارات آن نیز پرداخته است. به موجب مواد مزبور، کمیته مرکب از ۱۸ کارشناس از اتباع دول عضو و دارای صلاحیت در زمینه حقوق بشر است که برای مدت چهار سال با رعایت تقسیمات جغرافیایی، تمدن‌های مختلف و نظام‌های عمده حقوقی انتخاب شده و انتخاب مجدد ایشان بلامانع است. همچنین بیش از یک تبعه از هر دولت نمی‌تواند عضو کمیته باشد. کمیته دو وظیفه عمده دارد: رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها (مطابق ماده ۴۰) و رسیدگی به اعلام شکایت دول عضو علیه یکدیگر آن هم در صورتی که دول مزبور صلاحیت کمیته را برای چنین امری به موجب اعلامیه جداگانه به رسمیت شناخته باشند (مهرپور، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۹). ماده ۲ پروتکل اختیاری اول به میثاق، وظیفه دیگری نیز برای کمیته در نظر می‌گیرد که رسیدگی به شکایات افراد خصوصی از دول متبوعشان دایر بر نقض حقوق مندرج در میثاق در مورد آنهاست. اگرچه کمیته حقوق بشر تصمیمات خود را به صورت آرای حقوقی بیان می‌کند، از آن رویه قضایی شکل نمی‌گیرد. در واقع دیدگاه‌ها و تصمیمات کمیته چه در مقام رسیدگی به شکایات میان دولت‌ها و چه در رسیدگی به شکایات فردی برای دولت‌ها الزام‌آور نیست. صرفاً در صورتی که آرای کمیته بیانگر قواعد عرفی باشند - نه اعلام‌کننده یک قاعده جدید - می‌توانند برای دولت‌ها الزام‌آور باشند (باقری، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷). با وجود این کارکرد شبه‌قضایی کمیته در مقام حل و فصل اختلاف میان دولت‌ها یا رسیدگی به شکایات افراد، الزام‌آوری تصمیمات کمیته را ایجاد می‌کند. این در حالی است که حاصل کار کمیته در کارکرد اخیر نیز به ندرت وصف الزام می‌یابد (موسوی میرکلانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۳). یکی از مصادیق حقوقی که در کارکرد شبه‌قضایی کمیته قابل احراز و ارزیابی است، آزادی بیان است.

رویه شبه‌قضایی کمیته در حوزه آزادی بیان، مبتنی بر ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. حسب تفسیر کمیته از ماده ۱۹، آزادی بیان باید به صورت مطلق مورد توجه قرار گیرد. محدودیت‌های آزادی بیان از دیدگاه کمیته در موارد بسیار نادری قابل اعمال است. برای نمونه کمیته به دلیل توسعه رسانه‌های جمعی مدرن، اقداماتی را برای جلوگیری از اعمال نظارت بر این رسانه‌ها ضروری می‌داند، زیرا این مسئله سبب اختلال در حق آزادی بیان خواهد شد (HRC, 1983: para. 2). مروری بر برخی پرونده‌های مطروحه در کمیته که اشخاص خصوصی علیه دولت متبوع خود در مورد نقض حق آزادی بیان مندرج در ماده ۱۹ طرح دعوا کرده‌اند، رویه کمیته حقوق بشر در مورد این حق را نمایان می‌سازد.

۱. پرونده کوزلوف و دیگران علیه بلاروس

این پرونده دارای چند شاکی است که همگی از اتباع بلاروس بوده و عبارت‌اند از: پاول کوزلوف، والری الیاش، سرگئی پستیگا، مارات براشکو و رامان کیسلیاک. موضوع این پرونده، حق اجتماعات عمومی و نقض آزادی بیان ناشی از آن با اعمال محدودیت است که با بند ۲ ماده ۱۹ میثاق مرتبط است. واقعه از این قرار بود که کوزلوف نامه‌ای از کمیته اجرایی شهر برست بلاروس، مورخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹ دریافت کرد که توسط معاون رئیس کمیته اجرایی شهر برست امضا شده بود. به موجب این نامه به وی ابلاغ شده بود که اجازه برگزاری اعتصاب (حق اجتماع) در محل موردنظر را ندارد. در این نامه، به تصمیم کمیته اجرایی به شماره ۱۷۱۵ مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ اشاره شده بود که محلی دائمی برای برگزاری اجتماعات عمومی در برست مشخص می‌کرد و وفق آن، تجمعات عمومی صرفاً می‌توانست در یک مکان مشخص یعنی استادیوم لوکوموتیو ۲ سازماندهی شود. پس از طی مراحل دادرسی داخلی، کوزلوف و سایرین به کمیته حقوق بشر شکایت کردند.

کمیته در رأی خود مورخ ۲۰۱۵، در مورد ادعای شاکیان مبنی بر محدودیت خودسرانه آزادی بیان و حق اجتماعات ایشان، خاطرنشان می‌کند، نه نامه معاون رئیس کمیته اجرایی و نه تصمیمات دادگاه‌های داخلی، نمی‌توانند توجیهی برای رد درخواست شاکیان برای برگزاری اجتماعات باشند؛ زیرا اعمال محدودیت برای همه ۳۰۰۰۰۰ شهروند شهر برست، برای انجام اجتماعات عمومی در یک محل واحد آن هم در خارج از شهر، تجاوز به آزادی بیان بوده و نقض بند ۲ ماده ۱۹ میثاق است (HRC, kozolv v. Belarus, 2015: para. 7.2). در واقع کمیته خاطرنشان می‌کند که تعیین استادیومی ورزشی به‌عنوان تنها محل برگزاری رویدادهای عمومی جمعی (به استثنای تظاهرات خیابانی)، محدودیت‌هایی بر شکات از حیث آزادی بیان و اجتماعات تحمیل می‌کند. کمیته یادآوری می‌کند که آزادی بیان پایه و اساس هر جامعه آزاد و دموکراتیک را تشکیل می‌دهد و باید مستقیماً با نیاز خاصی که براساس آن پیش‌بینی شده است، ارتباط داشته باشد (HRC, kozolv v. Belarus, 2015: para. 7.6)

۲. پرونده ک. علیه دانمارک

شاکی این پرونده آقای ک. تبعه افغانستان و مقیم دانمارک بود. در پی تصمیم دولت دانمارک به اخراج وی از این کشور، نامبرده ادعا کرد که بازگشت اجباری وی به افغانستان موجب نقض مواد ۷ و ۱۹ میثاق می‌شود (HRC, K v. Denmark, 2015: para. 1.1). وی پیش از این، از دسامبر ۲۰۰۶ تا مه ۲۰۱۱، مترجم نیروهای آمریکایی در افغانستان، به‌ویژه در ولایت‌های قندهار،

نورستان، جلال‌آباد و میدان وردک بود. بر این اساس طالبان نام وی را به‌عنوان خائن در مکتوبات ذکر کرده بود؛ از این رو ک. استدلال می‌کرد که بازگشت او به افغانستان به برخورد نیروهای طالبان با وی منجر خواهد شد. ضمن اینکه در صورت بازگشت، اجازه نخواهد داشت مجدداً به خدمت نیروهای آمریکایی به‌عنوان مترجم درآید و آزادی انتخاب شغل وی محدود خواهد شد (HRC, K v. Denmark, 2015: para. 2.1). پس از آنکه در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳، هیأت تجدیدنظر در مورد پناهندگان، درخواست تجدیدنظر وی نسبت به تصمیم اداره مهاجرت دانمارک را به‌دلیل پاسخ‌های متناقض او رد کرد و فرایند دادرسی در محاکم داخلی دانمارک نیز به نتیجه‌ای نرسید، نامبرده شکایت خود را در کمیته حقوق بشر ثبت کرد (HRC, K v. Denmark, 2015: para 2.3).

کمیته در رأی خود مورخ ۲۰۱۵، با وجود تأکید بر این نکته که هیأت تجدیدنظر دانمارک ادعاهای شاکی را به‌طور کامل بررسی و به دلایل مختلف ناسازگار تلقی کرده است (HRC, K v. Denmark, 2015: para 7.5)، به این ادعای شاکی توجه می‌کند که در صورت بازگشت او به افغانستان، وی را در معرض خطری جدی قرار خواهد داد. با وجود این کمیته معتقد است که شاکی نتوانسته استدلال‌هایی جدی درباره در معرض خطر قرار گرفتن خود در صورت بازگشت به افغانستان ارائه کند. از این رو کمیته در مورد نقض ماده ۱۹ میثاق، به این نتیجه می‌رسد که ادعای شاکی در پرتو مستندات پرونده قابل اثبات نبوده و شامل نقض حق آزادی بیان وی، طبق ماده ۱۹ میثاق نیست (HRC, K v. Denmark, 2015: para. 6.4). کمیته در این پرونده جنبه اثباتی موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد و چون ادعا را قابل اثبات نمی‌داند، وارد جنبه ثبوتی پرونده نمی‌شود. در جنبه ثبوتی، پرسش اساسی آن است که آیا گستره مفهومی و مصداقی آزادی بیان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نظریات عمومی کمیته و رویه کمیته در رسیدگی به شکایات فردی، شامل آزادی انتخاب شغل نیز می‌شود یا نه؟ رأی کمیته در این پرونده این مسئله را مسکوت گذاشته است.

۳. پرونده ام. تی. علیه ازبکستان

در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲، ام. تی. توسط دو افسر پلیس ازبکستان بازداشت شد؛ بدون آنکه از دلایل بازداشت خود مطلع باشد. پس از دستگیری، به‌سبب فعالیت‌های حقوق بشری خود از جانب رئیس و معاون رئیس پلیس منطقه کرگولین مورد بازجویی، ضرب و شتم، تهدید به قتل و نیز تجاوز جنسی قرار گرفت. در ۲ ژوئیه ۲۰۰۲، وی متهم به توهین به افسر و امتناع از دستورهای پلیس شد. پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادستان منطقه واگذار شد. سرانجام این دعوا به‌دلیل نبود مدارک و شواهد رد و قاضی دستور آزادی ام. تی. را صادر کرد (HRC, M.T v. Uzbekistan, 2015: para. 2.1). در ۱۵ جون و ۲۰ اوت ۲۰۰۳، شاکی با در دست داشتن پلاکاردهایی در مقابل دادستانی تحصن کرد. هر دو مرتبه، مورد حمله گروه‌هایی از زنان قرار گرفت که به اعتقاد وی،

روسیپانی اجیرشده توسط مقامات بودند. در مرتبه اول، دو نفر از این ضرب و شتم‌کنندگان، پوست‌های وی را منهدم و وسایل شخصی‌اش را به سرقت بردند. در مرتبه دوم، حمله مهاجمان به بستری شدن او به مدت چهارده روز در بیمارستان منجر شد. با وجود حضور نیروهای پلیس در جریان هر دو حمله، مداخله‌ای از جانب ایشان جهت ممانعت از ضرب و جرح صورت نگرفت. در هر دو مورد، برای ام. تی. مجدداً پرونده تشکیل شد و او به برگزاری تظاهرات غیرقانونی و اعتراض بدون مجوز متهم شد (HRC, M.T v. Uzbekistan, 2015: para. 7.7). در این قضیه با اجیر کردن اشخاص مزبور، از بیان آزادانه عقاید به موجب ماده ۱۹ میثاق، ممانعت به عمل آمد. ام. تی. در نهایت شکایت خود را در کمیته حقوق بشر مطرح کرد.

کمیته در رأی مورخ ۲۰۱۵ متذکر می‌شود که دولت ازبکستان این اتهامات را به‌طور خاص رد نکرده و فقط به‌طور کلی بیان کرده است که هیچ نقضی در حق شاکی صورت نگرفته است. کمیته این برخورد را مناسب ندانسته و معتقد است که باید دقت کافی در ادعاهای شاکی صورت گیرد. در نهایت از نظر کمیته، در شرایط پرونده حاضر، حقایق ارائه‌شده توسط شاکی، نقض حقوق وی به موجب بند ۲ ماده ۱۹ میثاق تلقی می‌شود (HRC, M.T v. Uzbekistan, 2015: para. 6.8). از دیدگاه کمیته، نقض آزادی بیان شاکی از جانب دولت، با اجیر کردن اشخاصی جهت برهم زدن تحصن وی و رساندن صدای اعتراض او به گوش مسئولان، مسلم است (HRC, M.T v. Uzbekistan, 2015: para. 8). همچنین کمیته مطابق بند ۳ ماده ۲ میثاق، بر آن است که دولت عضو باید در مورد شخص مزبور به‌صورت مؤثر عمل می‌کرد؛ یعنی تحقیقات بی‌طرفانه، مؤثر و کاملی درباره ادعاهای شکنجه و بدرفتاری انجام و حتی محاکمه کیفری افراد مسئول در این واقعه و جبران خسارت مناسب را در دستور کار قرار می‌داد. به‌علاوه کمیته، دولت ازبکستان را موظف به اتخاذ اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع تخلفات مشابه و نقض آزادی بیان در آینده می‌داند (HRC, M.T v. Uzbekistan, 2015: para. 9). این رأی کمیته حقوق بشر در خصوص آزادی بیان با برخی مشابهت دارد. با این تفاوت که در این قضیه تجمع موردنظر صرفاً توسط یک فرد انجام شده که تغییری در ماهیت حق اجتماعات به‌عنوان مصدق از آزادی بیان ندارد. همچنین حق انتقاد اشخاص نسبت به عملکرد مقامات عمومی در این رأی کمیته به‌طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است که مشابهت دیگری با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر دارد.

۴. پرونده الریاسی علیه لیبی

عبدالناصر یونس مفتاح الریاسی، مددکار اجتماعی و کارمند سابق دفتر تأمین اجتماعی بنی ولید، در ۳ ژانویه ۲۰۰۳ توسط مأموران آژانس امنیت داخلی لیبی دستگیر شد (HRC, 2014: para.)

2.1). دستگیری وی مربوط به نامه‌ای الکترونیکی می‌شد که در ژوئن ۲۰۰۲ به روزنامه عرب تایمز (روزنامه آنلاین عربی-آمریکایی) ارسال کرده بود. در آن نامه الریاسی از رهبری سیاسی لیبی انتقاد کرده و درصدد جلب همکاری عرب تایمز برای انتشار کتابی درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی نامطلوب لیبی بود. همچنین او در آن نامه از روزنامه مزبور درخواست کرده بود که این پیام محرمانه نگه داشته شود (HRC, 2014: para. 2.2). در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۳، الریاسی از جانب دادگاه خلق، به جرم «تضعیف اعتبار رهبر انقلاب (لیبی)»^۱ وفق ماده ۱۶۴ قانون مجازات لیبی متهم و در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۳، به پانزده سال حبس محکوم شد. سپس الریاسی شکایت خود را در کمیته حقوق بشر مطرح کرد. حسب ادعای او، به دلیل عدم استقلال قوه قضاییه لیبی، راه‌حل‌های داخلی برای قربانیان نقض حقوق بشر در لیبی در دسترس یا مؤثر نبود. فلسفه ایجاد دادگاه خلق آن بود که جرائم سیاسی را خارج از فرایند عادی قضایی محاکمه کند. محاکمه الریاسی توسط یک دادگاه ویژه، نشان می‌دهد که مقامات لیبی پرونده وی را سیاسی می‌دانستند. این قبیل رسیدگی‌های سیاسی اغلب به آزار و اذیت، فشار، تهدید، محرومیت از آزادی، شکنجه یا قتل متهمان و خانواده‌های آنان منجر می‌شود (HRC, 2014: para. 2.7). مطابق ادعای شاکی، محکومیت او به خاطر درخواست کمک از روزنامه عربی تایمز برای انتشار کتابی در مورد لیبی، محرومیت وی از حق آزادی بیان است و نقض بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۹ میثاق به‌شمار می‌رود (HRC, 2014: para. 3.9). از دیدگاه دولت لیبی، برای حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی، بند ۳ ماده ۱۹ میثاق، محدودیت‌های خاصی را به نفع دولت‌ها پیش‌بینی کرده است.

کمیته در رأی مورخ ۲۰۱۴ معتقد بود که اطلاعات محدود موجود در پرونده، کافی برای دستگیری و محکومیت الریاسی مرتبط با نامه ارسالی وی در سال ۲۰۰۲ به روزنامه عرب تایمز نبوده است. از این رو کمیته اظهار می‌دارد که این ادعا به اندازه کافی اثبات نشده است و طبق ماده ۲ پروتکل اختیاری میثاق آن را غیرقابل پذیرش می‌داند (HRC, 2014: para. 6.4) تحلیل این رأی کمیته در مقایسه با رأی صادره در قضیه کوزولوف و سایرین علیه بلاروس نوعی دوگانگی در رویه کمیته را تداعی می‌کند. در قضیه کوزولوف کمیته جواز برگزاری اجتماعات صرفاً در یک مکان مشخص از یک شهر را نقض آزادی بیان و حق اجتماعات تلقی می‌کند، اما در این قضیه محکومیت الریاسی در دادگاهی سیاسی به صرف قصد انتشار یک کتاب را به بهانه محدودیت اطلاعات و جنبه اثباتی موضوع، ناقض آزادی بیان قلمداد نمی‌کند. همچنین قضیه اخیر در کنار پرونده ک. علیه دانمارک گویای مخاطره‌ای است که رویه کمیته حقوق بشر را تهدید می‌کند. این مخاطره عدم ورود به جنبه ثبوتی موضوع با تمسک به عدم احراز جنبه اثباتی موضوع است. اقتضای حقوق بشر آن است که کمیته به صرف اینکه اطلاعات محدودی

در مورد واقعه‌ای وجود داشته باشد، از تلاش خود برای حمایت از حقوق تبعه در مقابل دولت فروگذار نکند. این مهم به‌ویژه در دولت‌هایی که نظام سیاسی آنها با معیارهای دموکراتیک فاصله دارد، توجه بیشتری را به‌منظور احراز واقعه می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

از بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی بیان قواعدی قابل احراز است: نخست آنکه آزادی بیان در رویه این مرجع قضایی شامل حق بر انتقاد کردن از مقامات سیاسی نیز می‌شود. آستانه این انتقاد نیز گسترده در نظر گرفته شده و شدت انتقاد تا مرز توهین به مقامات سیاسی، قابل تحمل تلقی می‌شود. با وجود این چنانچه در توهین موردنظر، سوء نیت احراز شود و شخصیت طرف مورد حمله قرار گیرد، آزادی بیان مجوزی برای این امر نخواهد بود؛

دوم آنکه حق عصبانی شدن نیز در رویه دادگاه اروپایی مصداقی از آزادی بیان به‌شمار می‌رود. با این حال این حق، مطلق تلقی نشده و منوط به آستانه عدم توهین به دیگران می‌شود. در این زمینه حق عصبانی شدن در مقابل مقامات سیاسی توهین تلقی نشده و در مورد سایر مقامات عمومی با محدودیت‌هایی پذیرفته شده است؛

سوم آنکه آزادی بیان در رویه دادگاه اروپایی در حوزه اخلاق عمومی با محدودیت مواجه شده است؛ چراکه اخلاق از منظر این مرجع قضایی، نسبی تلقی می‌شود و منظومه اخلاقی مشخصی برای همه اعضای جامعه قابل تصور نیست. در نتیجه نمی‌توان از روش‌های افراطی و غیراخلاقی برای انتقاد در جامعه آزادی بیان بهره برد؛ حتی اگر آن روش از نظر استفاده‌کننده از آزادی بیان اخلاقی باشد، اگرچه از نظر گروه دیگری از اعضای جامعه غیراخلاقی تلقی شود؛

چهارم آنکه نظم عمومی و امنیت عمومی موانع دیگری هستند که در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توانند آزادی بیان را محدود کنند. با وجود این نظم و امنیت عمومی ناظر بر کل جامعه است و در مواردی کاربرد دارد که به موجب آزادی بیان کلیت نظامات عمومی حاکم بر جامعه در معرض تهدید قرار گیرد، نه مواردی که گستره آزادی بیان استفاده‌شده محدود به بخش خاصی از یک جامعه باشد.

از بررسی رویه کمیته حقوق بشر در مورد آزادی بیان نیز ضوابطی قابل احراز است: نخست آنکه یکی از مظاهر آزادی بیان، آزادی اجتماعات است. محدود کردن برگزاری اجتماعات به یک محل خاص در یک شهر با جمعیت قابل توجه، از دیدگاه کمیته تعرض به آزادی اجتماعات و نقض آزادی بیان است؛

دوم آنکه از نظر کمیته، آزادی اجتماعات شامل تجمع یک فرد نیز می‌شود و این مورد را نیز باید مصداقی از آزادی بیان دانست؛

سوم آنکه حق انتقاد اشخاص نسبت به عملکرد مقامات عمومی در رویه کمیته، به رسمیت شناخته شده است که از این حیث با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر مشابه است؛ چهارم آنکه متأسفانه کمیته در مواردی با این استدلال که جنبه موضوعی واقعه یا اصل ادعای خواهان اثبات نشده، از بررسی جنبه ثبوتی موضوع و صدور حکم ماهوی در مورد واقعه یا ادعای موردنظر سر باز زده است. تداوم این فرایند می‌تواند احقاق حقوق اشخاص خصوصی توسط کمیته را با مخاطره مواجه کند و موجب سلب اعتماد عمومی از این مرجع حقوق بشری شود. در مقام ارزیابی فرضیه پژوهش، می‌توان با تدقیق و استنتاج، فرضیه مقاله حاضر را به دلایل زیر تأیید کرد:

۱. هریک از دو مرجع موردنظر، گستره آزادی بیان را از زاویه معینی توسعه می‌دهند؛
۲. از حیث گستره مفهومی آزادی بیان بعضاً مشابهت‌هایی بین آنها مشاهده می‌شود؛
۳. هر دو مرجع محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان در نظر گرفته‌اند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. رنجی الماسی، زهره (۱۳۹۸)، *اخلاق عمومی در حقوق کیفری*، چاپ اول، تهران: مجد.
۲. رهایی، سعید (۱۳۸۹)، *آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل: با نگاهی به رهیافت اسلامی*، قم: دانشگاه مفید.
۳. کورنر، اشتفان (۱۳۹۴)، *فلسفه کانت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *اسلام و نیازهای زمان*، چاپ هفدهم، تهران: صدرا.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *فلسفه اخلاق*، چاپ نهم، تهران: صدرا.
۶. مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، *حقوق بشر در نظام بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: اطلاعات.

ب) مقالات

۷. باقری، سعید (۱۳۹۱)، «استرداد مجرمان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد»، تهران: *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۲۲، صص. ۲۵-۵۲.

۸. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۷۹)، «دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر»، تهران: مجله حقوقی، شماره ۲۵، صص. ۱۲۹-۱۴۵.
۹. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۳)، «محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶، صص ۷۴۷ و ۷۷۳.
۱۰. موسوی میرکلائی، سیدمصطفی؛ شاملو، باقر، گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹)، «حق برخورداری متهم از وکیل در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد»، تهران: پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، صص. ۱۲۳-۱۴۹.
۱۱. مولایی، مهرداد (۱۳۷۸)، «آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر»، تهران: فصلنامه رسانه، سال دهم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۰ - ۳۵.

ج) پایان نامه ها

۱۲. استواری، ملیحه (۱۳۹۴)، «مفهوم و جایگاه حق آزادی بیان از منظر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر»، شیراز: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Clayton,R and Tomlinson,H, (2000), *The Law of Human Rights*, First Edition, Oxford, Oxford University Press.

B) International Cases

2. European Court of Human Rights , *lingens v austria case*, B. No: 2014/12151, K.T. 04.06.2015
3. European Court of Human Rights , *Şener v. Türkiye Davası*, B. NO: 9815/82, K.T. 18.07. 2000
4. European Court of Human Rights ,*Case of Karataş v. Turkey*, B. No: 23168/94, K.T. 08. 07. 1999
5. European Court of Human Rights ,*Case of Magyar Jeti Zrt v. Hungary /Case Number 11257/16*
6. European Court of Human Rights ,*Case of Sorguç v. Turkey*, B. No: 17089/03, K.T. 23.06.2009, 24.12.2018.
7. European Court of Human Rights *Otto-Preminger-Institute v. Austria*, (13470/87) [1994] ECHR 26 (20 September 1994)
8. European Court of Human Rights, *Case of Janowski v. Poland* [1999] ECHR 3; 25716/94; (2000)

9. European Court of Human Rights, *Case of Tuşalp v. Turkey*, B. No: 41617/08, K.T. 21.12.2012
10. European Court of Human Rights, *Handyside v. United Kingdom*, B. No: 5493/72, K.T. 07.12.1976, Decision
11. European Court of Human Rights, *Müller & others v. Switzerland* B. No: 23168/94, K.T. 08.07.1999
12. European Court of Human Rights, *Sunday Times v. Uk* , B. No: 6538/74, K.T. 26.04.1979
13. Human Rights Committee, *Case of Alrabbasi v. Libya*, No. 1860/2009, K.T. 18.07.2014
14. Human Rights Committee, *Case of K v. Denmark*, No. 2393/2014, K.T. 24.07.2015
15. Human Rights Committee, *Case of kozolv v. Belarus*, No. 1949/2010, K.T. 02.04.2015
16. Human Rights Committee, *Case of M.T v. Uzbekistan*, No. 2234/2013, K.T. 24.07.2015
17. Human Rights Committee, General Comment No 10: *Freedom of expression* (art. 19), 29 June1983

٣. ترکی استانبولی

A) Books

1. Karan, Ulaş, (2013), “*İfade Özgürlüğü Hakkı, İçinde İnsan Hakları Avrupa Sözleşmesi ve Anayasa*, F ed., Ankara, Avrupa Konseyi
2. Özipek, Bekir Berat,(2013), *Teorik ve Pratik Boyutlarıyla İfade Hürriyeti*, İlk baskı, Ankara, Liberal Düşünce Topluluğu
3. Suat, Kamber, (2012), *İfade Özgürlüğü*, İlk baskı ,Ankara, Başbakanlık İnsan Hakları Başkanlığı Yayınlanmamış Uzmanlık Tezi

References In Persian:

A) Books

1. Körner, Stephan (2015), *Kant's Philosophy*, Translated by Fooladvand, Ezzatollah, Forth edition, Tehran: Kharazmei ([In Persian](#)).
2. Mehrpoor, Hossein (1995), *Human rights in the international and the position of the Islamic Republic of Iran*, First edition, Tehran: Ettelaat ([In Persian](#)).
3. Motahhari, Mortaza (2008), *Islam and the needs of the time*, 17th edition, Tehran: Sadra ([In Persian](#)).
4. Motahhari, Mortaza (2009), *Philosophy of ethics*, 9th edition, Tehran: Sadra ([In Persian](#)).
5. Rahayi, Saeed (2010), *Religious freedom From the perspective of international law: with a look at the Islamic approach*, Qom: Mofeed University ([In Persian](#)).
6. Ranji almasi, Zohreh (2019), *Public Ethics in Criminal Law*, First Edition, Tehran: Majd Publication ([In Persian](#)).

B) Articles

7. Bagheri, Saeed (2012), "Extradition in the Practice of European Court of Human Rights and Human Rights Committee of UN", Tehran: *Journal of Legal Research*, Vol. 11, Issue 22, pp.25-52 ([In Persian](#)).
8. Ghari Seyyed Fatemi, Seyyed Mohammad (2000), "The New European Court of Human Rights", Tehran: *International Law Review*, Vol. 18, Issue 25 Winter and Spring, pp. 129-145 ([In Persian](#)).
9. Markaz Malmiri, Ahmad (2005), "The Restrictions on the Application of Human Rights to Domestic Law and International Conventions", Tehran: *Strategic Studies*, Vol. 7, Issue 26 - Serial Number 26, Winter, pp. 747-773 ([In Persian](#)).
10. Molayi, Mehrdad (1998), "Freedom of expression and its restrictions in the European Court on Human Rights", Tehran: *Rasaneh*, Vol. 10, Issue 2, Summer, pp. 30-35 ([In Persian](#)).
11. Mousavi Mirkalaei, Seyyed Mostafa, Shamloo, Bagher, Goldooziyan, Iraj (2020), ((The Right to Counsel for the Accused on the Procedure of the UN Human Rights Committee)), Tehran: *Criminal Law and Criminology*, Vol. 8, Issue 15, Summer and Autumn, pp. 123-149 ([In Persian](#)).

C) Thesis

12. Ostovari, Maliheh (2015), ((*The concept and position of the right to freedom of speech from the perspective of the European Court on Human Rights*)), Shiraz: Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science of Shiraz University ([In Persian](#)).